

شرائط اشتراك :
سنه ليكي ۳۰ ، آلتی آيانی
۲۰ غروردر

ملاك اجنبیه ایچون :
سنه ليكي ۱۰ ، آلتی آيانی ۶ قرانقدر . اعلانات
ایچون اداره مأموری محمدذهنی بکه مراجعت ایدیلیر .

۲۹ ایلول افرنجی
۱۹۱۰

۱۶ ایلول ۱۳۲۶



وَأَعِظُوا بِالْوَعْدِ : إِنَّمَا أَكْمَلُ الْقَوْلَ زِيَادَةً

صاحب امتیازی
شهبندر زاده قابلی
احمد علمی

اداره و تحریر محلی :
نجفال اوغلی جاده سنده دائره مخصوصه در .
مخابرات صاحب امتیاز ایله جریان ایتمه لی در .

نسخه سی هر پرده
۳۰ پاره در .

۲۵ رمضان ۱۳۲۸



دروازه حسن حصین و حصار متین قطعه هندوستان . که عبارت از قطعه افغانستان باشد برای تجارت دولت مذکور بطریق مساوات باز نموده بود و عجز آنکه در قریه « کرید » طرقتاری افکار نابکار (روسی) را بخوده و از دوستی خلیفه روی زمین که مرجع و پیشوای عموم ملل و دول اسلامی میباشد و منافع و مادی کلی اسلام بدان دولت معظم مربوطیت دارند و دولت انگلیز دفعتاً پولتیک خود را تغییر دادن باده حیرت است . و از غلبه غلای ملت انگلیز بسیار جای تعجب .

[مابعدی وار]

حکایت

امام غزالی نک مهم براری

کتاب مضمون به

علی غیر امله

فان قيل فلم لا يجوز كشف هذا السر مع هؤلاء ؟
فيقال لانهم احوالوا ان تكون هذه الصفات لغیر الله تعالى
فاذا ذكرت هذا لبعضهم كفرك وقال انك تصف نفسك
بما هي صفة الاله على الخصوص وكنك تدعي الالهية
لنفسك .

بوسرك كشفی نه به جائز دكلدر ، دنیلیرسه جواب
ویریلیر که اونلر بوصفتلری جناب حقدن غیریهی حقنده
محال کوردیلار و بو فکرک عکسکی درمیان ایدنلری
بعضیلری تکفیر ایدر و دیگرک: سن جناب حقه خاص
اولان صفتی نفسکه عطف ایدیور و عادتاً دعوائی
الوہیت ایلورسک .

ایسته شو سوزلرله جناب امامی احتیاطه سوق ایدن
اسباب میدانہ چیقور . متفکرین سالفهنی ، تکفیر
مسئلهسی چوق دوشوندیرریدی . فی الواقع بر فکر
ثابت صاپلانمش و محاکمه سی محدود فقہلر اللہہ تکفیر
دهشتی بر سلاح ایدی . بونلر معارضلرله چوق دفعه
قاعده و اصول دائر مسندہ مباحثه و مناقشه ایدمک پرده
اونلری جناب القلم فساد عقیده ایلہ اتهام و تکفیری
دها موجز و قولای بولورلردی .

بوکون بیله بویله کسه لک قیاسی بولونیور بونلر ،
موضوعی قدر عالی و واسع اولان فکر جلیل اسلامیته ایکنه
دهلیکی قدر طار بر محیلن باقارلر و کنیش وجدانلری
اقناع ایتمک قدر اوافق بر بارجه کوررلر . صوکراده
کورمه مدکلری یردن بحث ایدنی اللرندن کلیرسه علناً ،
کلرزه کیزلیجه تکفیر قدر یوررلر . بویله صغیر الرأس
و محدود الحاکمه علما ، اسلام ایچون هر عصرده بلا
کیلمشتر و حراندیش اسلامیته طار بر ساحه ویرمکه
جالیلمشلردر .

فان قيل فلم احوالوا ان تكون هذه الصفة لله ولغير الله
ايضاً فيقال انهم قالوا كما يستحيل في ذوات المكلان ان يجتمع
اثنان في مكان واحد فيستحيل ايضاً ان يجتمع اثنان
لا في مكان لانه اما استحال وجود جسمين في مكان
واحد لانه لواجتماع لم يتحيز احدهما عن الآخر فلذلك
لو وجد اثنان كل واحد منهما ليس في مكان فم يحصل
التمييز والفرق ولهذا لم يجتمع سوادان في محل واحد
حتى قيل المثلان متضادان .

ندایر لازمه وجود علیل ملت اسلامی اعلان علنی بظهور
نرسیده بود . وندای « واما » بکوش هوش عالم اسلام
برنجورده بود . بناءً علیه هر جزاز اجزای ملت اسلام
در کوشه و اطراف جهان بکمال اسارت و افسردگی و تمام
مذلت و انواع ناخوشی منوی . و اسراش ساری مادی
کرتار بودند . چنانچه بعض از آنها هلاک گردیده . و برخی
در حالت تحمیه میباشد و جوی درخوف در جای اوجاع مرض
مضمه و سرک فجته . همچنان مانده اند .

و تئاکه درین عصر ترقی حصار آتیه اسلامی ندای تعاون
و همدردی ملت و اعلان میناب و معالجه علت از طرف حکمای
اسلام بسمع افراد امت « محمدی » برخورد و اجرای احکام
(انما المؤمنون اخوة) (و اعتصموا بحبل الله جميعاً) بر سر کار آمد
بنا بر آن لازم گردیده که هر ملت احوال درد و اسراش مضمه
خود را برای حکمای حاذق دارالخلافه عثمانی ، طلبه های
نورسیده مکتب طری ایرانی از روی حقیقت بیان نماید .
تا بک آن اول در ندایر لازمه ابتدائی معالجه هیئت اجتماعی
اسلامی سی و کوشش بپیل آید .

تا این وجود افسرده پاره پاره ملت موحده اسلام قدری
روی بتدرستی بنماید و همه شان یکدست و یکدل گردیده
متفقاً در سخت وجود خود را جدو جعد بپیل بیآورند تا آنکه
بعد ازین « صبر ایوب » صحت یاب گردیده در عالم انسانیت بر
محافظه حقوق خود را موفق و مقتدر گردند .

لهذا از آنجه اول وجودیکه در وقت حاضر عرض
مضمه کرتار و موت فجته را در انتظار میباشد ، قطعه یکس
افغانستان است . زیرا مدت مدیدیت که وجود این بقعه
بنا بر فقدان نور علم و عرفان در تحت قوای حاکمیت منوی
و بیخیه غدر و تمندی دولت انگلیز در کمال افشار میباشد و مثال
مرض مضمه گاه قوای طبیعت بر مرض غالب میکردد . و گاه
قوای مرض بر طبیعت مکرر با وجود آنهم تاحال ثقیلاً قوای
بدن مملکت بتحلیل نرسیده . و مرض عارضه که عبارت از
پولتیک دولت انگلیز بود باشد همیشه در جریان است . اگرچه
دولت انگلیز هر آن قدر محیل و مکار و مطلب آشنا و غدار
و دشمن دینی و دولتی گفته میشود باز هم بر تقدیر از موت
فجته که عبارت از دولت (روس) باشد بهتر است زیرا دولت
انگلیز تاحال بصورت علی اینچنین نکرده که با انهدام ارکان
دینی و یا بر بادی ناموس ملتی ، و یا تغییر عادات قومی ، و یا
محویت و تحقیر احکام مذهبی و یا خرابی مبادی ملت محکومه
خود ظاهراً مداخلت کرده باشد مگر بعد از سرور زمان و نفوذ
قوای حاکمیت و تسلط تمام . چنانچه از معامله و مشاور که
باسکان قطعه هند نمود و مینماید ظاهر و هوید است . ولی
دولت روس که موت فجته قرار داده شده سراسر بمکس آنست
که انتظار سرور زمان و یا تسلط تمام را ندارد . چنانچه از
معامله ظالمانه که با اسلام قطعه ترکستان ، و بخارا ، و خیوه ،
و قفقاز ، و غیره بلاد اسلامیته محکومه خود نموده و مینماید ایضاً
مملو مدار و آشکار است .

بناءً علیه در عالم مدینیت خاطر که نظر کرده میشود برای
دول و ملل اسلام و خصوصاً برای دولت افغانستان از سبب
خوش رفتاری و سلوک ظاهری موفقی دولت انگلیز تا زمان
که بر عهد و پیمان خود استوار باشد اتفاق دیگر دولت فرنگ را
بر آن مقدم ننماید . و دولت انگلیز نیز بنا بر احتیاج کلی
که با دول و ملل اسلام که دارد میباشد که در هیچ وقت از
دوستی و اتفاق دول و ملل اسلامی دوری نکشند . زیرا
شوکت و شان و عنوان امپراطوری که داد همه از برکت سایه
ملل اسلامیته پیدا کرده . لهذا در هر وقت لازم دارد و مینماید
که دولت انگلیز با دول و ملل اسلامیته دوست متفق و همدرد
بود باشد .

مکرر با وجود این دلائل که بطریق اجمال نکاشته شده
فقره که در اید وقت بادی حیرت و موجب تعجب گردیده
ایست . که دولت انگلیز چه سان دفعتاً از دوستی دول
و ملل اسلامیته روی گشایند و پولتیک خود را تغییر داده و با
دشمن قدیمی و معاند حقیقی و مدعی ضبط و استیلا نمودن
هندوستان که عبارت از دولت روس باشد هم عهد و دوست
گردیده و بر عهد و پیمان آن اعتماد مینماید . و بدست خود

جسم بر قوندره مغازه سی ده آجیلدی . تموزک ایکنجی
کونی هر اصنافدن و هر قلوبدن ایکیشر ذات ایلہ جمعیت
ارکانندن بغض ذوات کرام و جمعیت ریئسی و سرخصمز
قهرمان حریت سوکیلی ایوب صبری بک حاضر اولدیننی
خالده رسم کشادی اجرا اولمشدر . مذکور مغازه ده
بوکون اون آلتی دین قرداشمز جالیلمشده اولوب
یقینده بکرمی بش او توزه ابلاغی مأمول قویدر .

هذه من فضل ربی ومن الله التوفيق

مشروطیتی شانی بر صورتده اعلان ایدن مناسرتک
ترقی خصوصنده ملت نامنه ایلاک اعمال انتخابه آچان
ینه مناسرت اولدینندن افتخار ایتلی ز . مغازه نک آچلمه
سنه برنجی همت ، شهرمز اصنافک معاوتی اولدینندن
محترم اصنافزی تقدیر لرله آلقیشلار ز . ایکنجی همت که
فوق العاده در . مجسم حیت اولان عسکری قلوبی
اعضای ذوی الاحترامیله عثمانی شرق یازاری مدیرینک
و برر شعبان اقدینک و سایر بر قاج ارباب حیتک معاوتیله
وجود بولمشدر که بو وطن پروری نه قدر تقدیر ایتسه که
آزدر .

یاشاسین ارباب حیت

عموم اصنافک قلوبه و یردبکی معاش آلتی یوز
غروشی کیمز . بناءً علیه اوزون سوزک قیصه سی
شودر : برنجیسی حسن نیت ، ایکنجیسی ثبات ،
اوچنجیسی غیرتدر . اوت حسن نیت ثبات و غیرت
سایمسنده در که یدی سکر بیک غروشلاق بر قوتله
قوجه قوندره اعمال انتخابه سی آچیلهرق یار و اغیاره
قارشی منتظم بر حاله قولیقه در . شمدی دردنجی
بر شی ده قالمشدر که اوده قسماً موجوددر . متین
بر انجادا اوت برره قدر متفقز . لکن متین دکلز .
انقازنی اتحاد مزمنی متانلشد بر مزمن هر حاله لازمدر .
او قدر که کره ارضه موجود اوچ یوز میلیون مسلمان
موجود اولدیننی بیلوب موجودیت مزنی اوروپا به و آسریاقیه
طانتدیر میلر ز . اوروپا بک بز مسلمانلره روا کوریلن
ظالمندن وزنجیر اسارتدن ارتق قورتلملر ز . یوقسه
اسکیسی کی بر بریمز علیهنه بری بریمزی چکه مامک
جمعیتدن قلوبدن خوشلانماق و بر طاقم نامشروع
فرقه لره انتساب اتمک کی فنالقه دوام اولنورسه
وطن مزمنی ده ناموس مزله برابر تهلکه به اتمه جیمزی هیچ
بر وقت خاطر دن چیقار ماملر ز . و الحاصل اوزون
سوزک قیصه سی شودر . اتحاد حیانتدر تفرقه نماتدر .

اتحاد و ترقی جمعیتی

مناسرت یسجی تجارت قلبی

هیئت اداره سی

باصفییه

از افغانستان

مرض مضمه — و موت فجته

چونکه تاحال در عالم اسلامیت از طرف حکمای حاذق
ملت و اطبای هیئت اجتماعیته است . برای میناب و اتخاذ